



ناپدید شدن پسر همسایه‌شان که همزمان با ربوده شدن اولیه او ناپدید شده بود را هم به او نسبت دادیم؛ چون رابطه نزدیکی با هم داشتند و اینها به حدی خانواده فرد گمشده را دچار اضطراب و تهدید کرده بودند که آنها جرات پیگیری فقدان فرزندشان را نداشتند.

#### ❖ جنایت در ارتفاعات

در نهایت ایمان راز ناپدید شدن پسر همسایه را بر ملا کرد. او گفت: من و پژمان، پسر همسایه‌مان به کوه رفتیم، به دلیل اختلاف مالی و خانوادگی که با او داشتم دعوی‌امان شد. درگیری که منجر به قتل او شد و من با کلت کمری او را به قتل رساندم و جسد را در همان کوهستان رها کردم. به علت این که بتوانم بر این ماجرا سرپوش بگذارم و از آنجا که مقتول با من دوست بود و همیشه با هم بودیم، قطعاً پلیس به من مشکوک می‌شد و سراغم می‌آمد. من باید طوری برنامه‌ریزی می‌کردم که خودم را بی‌گناه نشان دهم و فکری که به ذهنم رسید این بود که سناریوی ربوده شدنم را مطرح کنم.

ایمان به جنایت اعتراف کرد و به دنبال این اعتراف ما راهی محل قتل شدیم تا جسد قربانی را به دست آوریم. در آن ارتفاعات هوا بسیار سرد بود و برف همه جا را پوشانده بود. ما برای رسیدن به جنازه صبح زود حرکت کردیم و از ظهر گذشته بود که به جنازه رسیدیم. سردی هوا به قدری بود که جسد بدون این که تغییری در آن رخ داده باشد یا دچار فساد شده باشد، پیدا شد. حتی ضبط صوتی داشتند که دستش روی ضبط بود و کاپشن‌اش روی صورتش کشیده شده بود و پایش را روی پایش گذاشته بود و حتی حالت دستش را هم به خوبی به یاد دارم. گلوله روی پیشانی مقتول که حدوداً ۲۳ سال داشت خورده بود. باید جسد را حمل می‌کردیم ولی امکانات نداشتیم. یکی از مشکلات پلیس آن منطقه و تفاوتی که با پلیس جاهای دیگر داشتیم این بود که کل کارها را خودمان انجام می‌دادیم در حالی که باید با سازمان‌های مربوطه هماهنگ شود و آنها جسد را حمل کنند.

از آنجا که امکان ارتباط با مرکز پلیس وجود نداشت و بی‌سیم همراهمان بود و در آن نقطه هم بی‌سیم نمی‌گرفت، به راه افتادیم تا به منطقه‌ای برسیم که بی‌سیم ارتباط دهد تا اعلام نیروی کمکی و آمبولانس کنیم. البته قبل از ترک آنجا به دوستان و همکارانم سفارش کردم محل را رها نکنند.

برای ما مطرح کرد اما حرف‌هایش برای ما قابل قبول نبود و ما به تحقیقات مان ادامه دادیم.

#### ❖ گزارش مجدد آدم‌ربایی

بررسی‌هایمان برای شناسایی آدم‌ربانی که پسر جوان مدعی بود او را ربوده‌اند ادامه داشت که خانواده ایمان، پسر جوانی که آزاد شده بود به آگاهی مراجعه کرده و ادعا کردند که پسرشان را با همان سناریوی قبلی، مردانی مسلح دوباره ربوده‌اند. ربوده شدن برای دومین بار، واقعی به نظر نمی‌رسید و چه دلیلی داشت که آدم‌ربایان، گروگان خودشان را آزاد کنند و دوباره او را بربایند. همین مساله شک ما را به یقین بیشتر تبدیل کرد که سناریوی آدم‌ربایی ساختگی است.

تحقیقات را ادامه داده و در نهایت موفق شدیم مخفیگاه ایمان را در تهران شناسایی کنیم و او که در یک مغازه خیاطی کار می‌کرد، بازداشت شد. این راهم بگوییم آن زمان امکانات علمی که امروزه در کشف جرم وجود دارد، نبود.

پس از دستگیری پسر جوان، همان‌طور که حدس زده بودیم مشخص شد ماجرای آدم‌ربایی او ساختگی بوده و از سوی پسر جوان و خانواده‌اش طراحی شده است؛ سناریوهایی که در جهت مخفی ماندن راز قتل پسر همسایه‌شان مطرح شده بود.

#### ❖ قتل پسر همسایه

باتوجه به مدارک و قرآنی که در دست بود، ثابت کردیم که سناریوهای او، باطل و ساخته و پرداخته ذهنش است. ایمان و خانواده‌اش نیز به دنبال اثبات این مساله مجبور شدند به ما بگویند چرا چنین سناریویی را مطرح کردند. از طرفی



رازگشایی از قتل پسر جوان که قربانی توطئه یکی از دوستانش شده بود، خاطره سردار محمد قنبری، رئیس پلیس آگاهی کشور است؛ خاطره‌ای که مربوط به سال‌ها قبل است و تیزهوشی او در کشف سناریوی ساختگی آدم‌ربایی، باعث کشف راز یک جنایت شد.

چند سال قبل در شهرستانی به عنوان رئیس پلیس آگاهی مشغول به کار بودم که گزارش ربوده شدن پسر جوانی به ما اعلام شد. زمانی که برادر پسر ربوده شده مقابلم قرار گرفت، گفت: دیشب چند مرد مسلح در حالی که صورت‌هایشان را پوشانده بودند وارد خانه‌مان شده و برادرم را با تهدید اسلحه ربوده‌اند. به محض اطلاع از این ماجرا، من به پلیس آمدم تا گزارش ربوده شدنش را اعلام کنم.

#### ❖ دومین گزارش

با اعلام ربوده شدن پسر جوان، تحقیقات مان را برای بررسی این ماجرا و شناسایی عاملان آدم‌ربایی و آزادی فرد گروگان آغاز کردیم. هنوز ساعتی از گزارش آدم‌ربایی نگذشته بود که با گزارش ناپدید شدن پسر جوان دیگری مواجه شدیم. پسر ناپدید شده همسایه پسر جوانی بود که خانواده‌اش مدعی بودند او ربوده شده است. ما بررسی‌ها را آغاز کردیم و فرضیه‌های متعددی در رابطه با این آدم‌ربایی مسلحانه مطرح شد. دوماه از ماجرای ربوده شدن پسر جوان می‌گذشت و ما رد و سرخ قابل توجهی در رابطه با ربوده شدن پسر جوان و دوستش به دست نیاورده بودیم.

#### ❖ آدم‌ربایی ساختگی

بررسی‌های ما این احتمال را مطرح می‌کرد که آنچه خانواده پسر ربوده شده مطرح می‌کنند، ممکن است واقعیت نباشد و ماجرای دیگری پشت پرده قرار دارد که آنها سعی در کتمان حقیقت دارند. تحقیقات و کارشناسی‌های زیادی را در رابطه با این دو پرونده انجام دادیم و جلسات متعددی با کارآگاهان زبده در رابطه با این پرونده برگزار شد.

در حالی که بررسی‌های مادر این رابطه ادامه داشت، با خبر شدیم پسر ربوده شده، آزاد شده است. بلافاصله سراغ پسر جوان رفتیم و او سناریوی پیچیده‌ای را در خصوص ربوده شدنش تعریف کرد؛ سناریویی که آن زمان چهار نوار کاست پشت و رو از آن پر شد. صفر تا ۱۰۰ ماجرای ربوده شدن تا آزاد شدنش را



قاتل برای این که راز

جنایت فاش نشود،

سناریویی آدم‌ربایی

ساختگی خود را طراحی

کرد و در یک خیاطی

در تهران مشغول به

کار شد اما تیزهوشی

ماموران راز او را

فاش کرد

